

حضور سازمان‌های غیر دولتی در پیشگاه مراجع قضایی بین‌المللی

محمد حسین رمضانی قوام‌آبادی*

استادیار گروه حقوق محیط زیست پژوهشکده علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۶/۱۲/۱۴)

چکیده:

مشارکت سازمان‌های غیردولتی می‌تواند در دو فرایند شکل‌گیری هنجارهای بین‌المللی و نظارت و اجرای آنها محقق شود. این تحقیق مسلماً در پی به دست دادن تصویری کلی از اشکال گوناگون فعالیت سازمان‌های غیر دولتی در حقوق بین‌الملل نیست بلکه تنها به جنبه‌ی دوم فعالیت آنها به ویژه به مشارکت آنها در مرحله‌ی اجرای قضایی قواعد حقوق بین‌الملل خواهد پرداخت. این تحقیق در صدد نشان دادن موضوع نهاد دوستان دادگاه در پیشگاه مراجع قضایی بین‌المللی است و این که این نهاد یک فرصت مغتنم جهت دسترسی سازمان‌های غیر دولتی به مراجع قضایی بین‌المللی فراهم می‌کند بدون این که این سازمان‌ها جزء طرفین دعوا باشند. پس ابتدا سعی خواهیم کرد به تشریح و توصیف سازمان‌های غیر دولتی به عنوان دوستان دادگاه پرداخته (قسمت اول) و بعد از آن به اقبالی که این سازمان‌ها در قالب دوستان دادگاه در مراجع قضایی بین‌المللی برای خود دست و پا کرده‌اند (قسمت دوم) خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی:

سازمان‌های غیر دولتی - دوست دادگاه - دیوان بین‌المللی دادگستری - دیوان کیفری بین‌المللی - دیوان اروپایی حقوق بشر - دیوان آمریکایی حقوق بشر و دیوان آفریقایی حقوق بشر.

مقدمه

نظم نوین بین‌المللی سبب تغییر در بعضی از مفاهیم کلیدی حقوق بین‌الملل شده است. طرح موضوع جامعه مدنی بین‌المللی یکی از جنبه‌هایی است که توجه حقوق‌دانان را به خود جلب کرده و در سال‌های اخیر به یکی از گفتمان‌های غالب در نزد سیاسیون و حقوق‌دانان تبدیل شده است. این جامعه بیشتر توسط سازمان‌های غیر دولتی بازنمایی می‌شود و عملاً در بعضی مواقع در مقابل دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قرار می‌گیرند. پس ظهور جامعه مدنی بین‌المللی و ورود سازمان‌های غیر دولتی به روابط بین‌الملل به عنوان بازیگران جدید، نقطه عطفی در مشارکت آنها در کنار تابعان حقوق بین‌الملل است. وقایع سیاتل، داووس، رم و پورتوآلگر و غیره نشان دهنده‌ی این موضوع است که باید به سازمان‌های غیر دولتی توجه و آنها را به عنوان مخاطبین جدید لحاظ کرد (GHERARI (H.) et SZUREK (S.), 2003, p.350).

اساساً حضور و مشارکت سازمان‌های غیر دولتی در دو فرایند شکل‌گیری هنجارهای بین‌المللی و نظارت و اجرای آنها محقق می‌شود. تنوع فعالیت این سازمان‌ها باعث ظهور نقش‌های متفاوتی می‌شود که در یک حوزه به عنوان مکمل فعالیت دولت و سازمان‌های بین‌المللی است در حالی که در حوزه دیگر به عنوان رقیب دولت تجلی پیدا می‌کند. پس این مشارکت در تمام سطوح و زمینه‌ها به یک اندازه نیست؛ در بعضی از زمینه‌ها همچون حقوق بشر دوستانه، حقوق محیط زیست و توسعه حضورشان پر رنگ است و در راستای انجام وظایف تعیین شده در اساسنامه‌شان و یا سایر اسناد بین‌المللی اقدام به کمک و دستگیری قربانیان و مصدومین می‌پردازند. و در بعضی از زمینه‌ها چون حقوق بشر، این سازمان‌ها در مقابل دولت‌ها قرار می‌گیرند و به عنوان رقیب سرسخت ایشان در مجامع بین‌المللی چون کمیسیون حقوق بشر سابق (شورای حقوق بشر فعلی) یا در قالب گزارشاتی که تهیه می‌نمایند پرده از نقض موازین حقوق بشر بر می‌دارند.

به طور کلی تحولات اخیر حقوق بین‌الملل گویای افزایش مراجع قضایی بین‌المللی و گسترش قلمروهای تازه و ورود بازیگران جدید بوده که عمیقاً تار و پود روابط بین‌الملل را متاثر کرده است و به‌زعم بعضی از حقوق‌دانان این افزایش، حتی یکپارچگی حقوق بین‌الملل را به مخاطره می‌اندازد (GUILLAUME, (G.), pp.23-30). تحولات مزبور این ادعا را به اثبات می‌رساند که حقوق بین‌الملل به سمت قضایی شدن گرایش دارد و در این راستا سبب ایجاد هنجارهای جدید و ظهور رژیم‌های کنترل و نظارت متنوعی شده که نهایتاً بستری مناسب برای حضور سازمان‌های غیر دولتی فراهم کرده است. در راستای این تغییر و تحولات در عرصه بین‌الملل پرسش اساسی این است که آیا حقوق بین‌الملل در حال فاصله‌گیری از ساختار

وستفالیایی خود است؟ حرکت‌های اعتراض‌آمیز بر علیه جهانی شدن و توسل فردی یا جمعی به بعضی از مراجع بین‌المللی را باید نشانه دوری از مفهوم سنتی حقوق بین‌الدول تلقی کنیم؟ این تحقیق در پی پاسخگویی به تمام این مسایل نیست بلکه تنها به بخش کوچکی از تحولات اخیر جامعه بین‌المللی در حوزه نقش‌پذیری سازمان‌های غیر دولتی در دادرسی‌های بین‌المللی می‌پردازد. در واقع این تحقیق بیشتر حول محور نقش این سازمان‌ها در مرحله دادرسی و مشارکت آنها در مرحله اجرا و کنترل هنجارهای بین‌المللی در پیشگاه مراجع دادرسی بین‌المللی می‌چرخد. البته ذکر این موضوع لازم است که فعالیت این سازمان‌ها در دادرسی‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در دو قالب مداخله مستقیم و غیرمستقیم قابل بررسی است. از مداخله مستقیم این سازمان‌ها زمانی می‌توانیم صحبت کنیم که آنها خود قربانی نقض یکی از حقوق نهادین شان شده باشند؛ در حالی که در مداخله غیرمستقیم، اساسنامه و/یا آیین‌نامه‌های داخلی بعضی از مراجع بین‌المللی امکان چنین مداخله‌ای را فراهم کرده‌اند. پس در این صورت، قربانی می‌تواند از حمایت و مشاوره‌ی این سازمان‌ها بهره‌مند شده و زمینه‌ی مشارکت آنها را در قالب نهاد «دوستان دادگاه» (*Amicus curiae*) محقق سازد. یقیناً شناسایی اهلیت اقامه دعوا برای سازمان‌های غیر دولتی قبل از هر چیز منوط به اساسنامه یا قواعد مربوط به آیین دادرسی مراجع بین‌المللی مربوطه می‌باشد. این تحقیق در پی به دست دادن تصویری از امکان و عدم امکان مشارکت سازمان‌های غیر دولتی در قالب نهاد دوستان دادگاه در مرحله دادرسی است. در واقع توسعه و گسترش عملکرد این نهاد در عرصه بین‌المللی مبین گشایش حقوق بین‌الملل سنتی اساساً و ماهیتاً بین‌الدولی به روی بازیگران جدید می‌باشد؛ زیرا درهای مراجع بین‌المللی به طور سنتی تنها به روی تابعان اصلی حقوق بین‌الملل باز بوده و بازیگران جدید غیر دولتی از دسترسی به آن محروم بوده‌اند. پس در این تحقیق ابتدا سعی خواهیم کرد به تشریح و توصیف دوستان دادگاه پرداخته (قسمت اول) و بعد از شناخت اجمالی از این موضوع، به اقبالی که سازمان‌های غیر دولتی در قالب دوستان دادگاه در مراجع قضایی بین‌المللی^۱ برای خود دست و پا کرده‌اند (قسمت دوم) خواهیم پرداخت.

۱. بررسی نقش سازمان‌های غیر دولتی در چارچوب مراجع شبه قضایی موضوع یک تحقیق جداگانه‌ای خواهد بود که در آینده تحت عنوان بخش دوم این کار تدوین خواهد شد.

قسمت اول) مداخله سازمان‌های غیر دولتی به عنوان دوستان دادگاه در

دادرسی بین‌المللی

بررسی مداخله سازمان‌های غیر دولتی تحت عنوان دوستان دادگاه در مرحله‌ی دادرسی را باید در چه قالبی مورد مطالعه قرار داد؟ آیا در قالب موضوع ورود ثالث به دعوا مورد بررسی قرار می‌گیرند یا به طور کلی یک نهاد مجزا از آن است؟ در این قسمت کوشش خواهیم کرد ضمن توصیف دوستان دادگاه به اختیارات و کارکردی که سازمان‌های مزبور تحت این عنوان دارند بپردازیم.

الف- توصیف نهاد دوستان دادگاه

دوستان دادگاه واژه‌ای اصالتاً لاتین و پراتیکی منبعث از حقوق انگلو ساکسون که کم کم وارد حقوق بین‌الملل شده است. مطابق این پراتیک، مراجع قضایی از یک شخصیت دعوت به عمل می‌آورند تا اطلاعات و مشاهدات خاص خود را جهت روشن شدن موضوع و یافتن راه حل در اختیار آنها بگذارد (SALMON (J.), 2001, pp. 62-63). استفاده از نهاد دوستان دادگاه را عموماً برای دفاع از منافع عامه مناسب می‌دانند؛ و از این منظر سازمان‌های غیر دولتی دارای یک وضعیت ویژه می‌باشند و قادرند بر اساس منافع عامه یا دفاع از قربانی نقض حقوق بشر وارد عمل شوند. به عبارت دیگر، مداخله دوستان دادگاه در مراجعی مشاهده می‌شود که افراد دسترسی بیشتر و آسانتری دارند. به طور کلی توسعه حقوق بشر و ایجاد مراجع مختلف منطقه‌ای یا بین‌المللی که در آنها دسترسی افراد تجویز شده است، تحول عظیمی در استفاده از نهاد دوستان دادگاه مشاهده می‌کنیم. تنوع و گسترش قلمروهای مختلف حقوق بین‌الملل نه تنها سبب تنوع مراجع تصمیم‌گیری شده بلکه موجب مداخله بازیگران جدید در فرآیند تصمیم‌گیری قضایی و افزایش درخواست‌های مربوط به مداخله این سازمان‌ها نیز شده است. در مقام مقایسه مراجع بین‌المللی مختلف، ما می‌توانیم به آسانی اختلاف اساسی بین مراجع حامی حقوق بشر و مراجع کیفری بین‌المللی از یکطرف و دیوان بین‌المللی دادگستری را از طرف دیگر مشاهده کنیم؛ زیرا شناسایی و عدم شناسایی دسترسی مستقیم و/یا غیر مستقیم فرد به این مراجع واقعی است که وجود این اختلاف را تصدیق می‌کند. انعکاس این اختلاف را با بررسی تنوع عملکرد مراجع فوق در قبال سازمان‌های غیر دولتی را در بخش بعد نشان خواهیم داد.

مداخله سازمان‌های غیردولتی در مراجعی که می‌توانند به صورت دوستان دادگاه حاضر شوند غالباً مشابه است. در واقع، مشارکت سازمان‌های غیر دولتی به عنوان دوست دادگاه

توسط اساسنامه یا آیین‌نامه‌های داخلی و قواعد آیین دادرسی این مراجع پیش‌بینی می‌شود، اگرچه همیشه به طور صریح این مداخله تحت عنوان دوستان دادگاه ذکر نشود. پرسش مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه کسانی می‌توانند به عنوان دوست دادگاه در پیشگاه مراجع بین‌المللی حاضر شوند؟ دوستان دادگاه اشخاص حقیقی یا حقوقی، عمومی یا خصوصی هستند که به طور غیر مستقیم در دادرسی نه به عنوان «طرف» بلکه به عنوان «دوست» مداخله کرده (ABDELSALAM (A.Mohamed.), 1999, p.204) و اطلاعات تکمیلی در اختیار مرجع رسیدگی‌کننده می‌گذارند (DUPUY (P.M.), 1998, 225). در این رابطه باید مداخله ثالث را در دادرسی از مداخله دوستان دادگاه تفکیک کرد؛ زیرا ثالث شخصی است که نه جزء طرفین دعوا است و نه از کسی نمایندگی می‌کند. در حقوق معاهدات ثالث به تابعانی اطلاق می‌شود که خارج از هر گونه رابطه قراردادی دو یا چند جانبه است. پس ثالث در دادرسی به شخصی گفته می‌شود که جزء طرفین دعوی مطروحه در نزد مرجع قضایی نیست، ولی با این وجود می‌تواند به سبب یک منفعت خاص یا عام در دادرسی مشارکت کند. وضعیت مابین این دو حالت یعنی بین طرف دعوا و ثالث بودن در دادرسی امری است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. نهاد دوستان دادگاه به ثالث در اینجا به (سازمان‌های غیر دولتی) اجازه می‌دهد نه تنها در دادرسی بلکه در جستجوی اتخاذ تصمیم برای قضیه مشارکت نمایند. از نقطه نظر ترمینولوژی، واژه «طرف نبودن» اصطلاحی است که می‌تواند برای کلیه دوستان در پیشگاه دادگاه بکار رود به حدی که این دوستان به عنوان «طرف» و به نفع یکی از نظرات دفاع شده در نزد قاضی توسط طرفین اصلی دعوا تلقی نشوند. تفاوتی که دوستان دادگاه با گواهان و کارشناسان دارد در این است که دوستان آزادند با موافقت قاضی و در بعضی مواقع طرفین دعوا نقطه‌نظرهای حقوقی و عملی خود را در ارتباط با موضوع اعلام کنند. ولی این دوستان نباید منفعت مستقیم و شخصی برای مداخله مربوطه داشته باشند.

ب) دامنه‌ی اطلاعات تهیه شده توسط دوستان دادگاه

محتوای اطلاعات تهیه شده توسط سازمان‌های غیر دولتی در قالب گزارشات کتبی یا شفاهی متضمن نظرات ایشان درباره موضوع متنازع فیه است. در حقیقت این اطلاعات در بردارنده‌ی عناصر واقعی و عینی یک قضیه مشخص می‌باشند که می‌تواند بر تصمیم‌تأثیر بگذارد. به همین سبب نیز مرجع رسیدگی‌کننده غالباً موضوعی را که دوستان باید در آن حوزه اطلاعات خود را در اختیار وی بگذارند به طور صریح مشخص می‌کند. علی‌رغم مفید بودن اطلاعات فوق، ذکر این نکته نیز لازم است که پذیرش سیستماتیک و بدون قید و شرط این

گزارشات می‌تواند مرجع رسیدگی‌کننده را در مقابل تعداد بیشماری از این گزارشات قرار دهد. ترس احتمالی این مراجع از گسترش این پراتیک قابل فهم است و به همین جهت به نظر می‌رسد که گزارشات کتبی مرجع باشند.

نکته قابل توجه در اینجا این است که پراتیک دوستان دادگاه مشمول قاعده اعتبار امر مختومه نمی‌شود زیرا همان‌طور که اشاره شد دوستان دادگاه به عنوان طرف دعوا محسوب نمی‌شوند. بنابراین سازمان‌های غیر دولتی بدین وسیله با دادن نقطه‌نظرات خود در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت می‌کنند. این نقطه‌نظرات از این جهت حایز اهمیت است که این سازمان‌ها نه تنها در روشن شدن جنبه‌ی از قضیه مشارکت می‌کنند بلکه از طرف دیگر نوعی تضمین برای مشروعیت شرکت بخشی از جامعه مدنی در فرآیند تصمیم‌گیری در دادرسی محسوب می‌شود. در هر حال به نظر می‌رسد با توجه به مطالب پیش گفته محاسن استفاده از این پراتیک بیشتر از معایب آن خواهد بود؛ و همان‌طور که استاد آسانسیو متذکر می‌شود مشارکت دوستان دادگاه بیش از اینکه معایبی برای دادرسی‌ها داشته باشد مفید می‌باشد (ASCENSIO (H.), 2001, p.929). بی‌تردید بکارگیری پراتیک دوستان دادگاه واجد دو مزیت عمده اولاً برای خود دوستان و در ثانی برای دادرسی خواهد بود. اصالت اصلی این تکنیک در این است که دادرسی را به روی بازیگرانی غیر از طرفین دعوا می‌گشاید و از طرف دیگر از نظر زمانی و اقتصادی مداخله این دوستان نسبت به مداخله‌ی ثالث به معنای اخص کلمه مقرون به صرفه بوده و موجب در اختیار گذاردن نقطه‌نظرهای گوناگون به مرجع رسیدگی‌کننده به قضیه قبل از صدور حکم نهایی می‌شود.

با آن که این پراتیک در بر دارنده این حسن می‌باشد که سازمان‌ها مزبور بتوانند نظرات خود را در یک دعوای بین‌الدولی اعلام کنند ولی این دوستان همانند طرفین دعوا قادر به ارائه دلایل خود نبوده و نمی‌توانند شهود را مورد پرسش قرار دهند. در صورت پذیرفته شدن به عنوان دوست، این سازمان‌ها نمی‌توانند هزینه‌های صرف شده خود را درخواست نمایند. لذا تنها سازمان‌های بزرگ غیر دولتی که تمکن مالی دارند قادر به مداخله در امر دادرسی بین‌المللی بوده و این شائبه در ذهن ایجاد می‌شود که تنها برخی از این سازمان‌ها می‌توانند از این تکنیک بهره‌مند شوند.

در حال حاضر اطلاعات ناشی از بازیگران غیر دولتی منبعی مطمئن برای ارگان‌های قضایی همچون دادگاه کیفری برای یوگسلاوی سابق (8) § (Affaire Le Procureur c/ Dusko Tadic, 1995) و دیوان اروپایی حقوق بشر محسوب می‌شود (Affaire Soering, 1989, § 101 et Affaire Akdivar et autres c/ Turquie, 1996, § 64). نقش عفو بین‌الملل به عنوان دوست دادگاه در قضیه Soering قابل توجه است زیرا دیوان اروپایی حقوق بشر با پذیرش نظرات این نهاد، حتی از

استفاده و استناد به واژه‌های بکار رفته توسط این نهاد هیچ تردیدی به خود راه نداد (SUDRE (F.,1990,p.107. پس بنابراین بکارگیری این پراتیک در دادرسی و استفاده از اطلاعات این سازمانها در زمینه‌های مختلف نقش مهمی در هدایت قضات و شکل‌گیری رویه قضایی بین‌المللی بازی می‌کند.

قسمت دوم) تنوع عملکرد مراجع قضایی بین‌المللی در قبال نقش‌دهی به دوستان دادگاه

ماهیت بین‌الدولی بعضی از مراجع بین‌المللی اساساً به سازمان‌های غیر دولتی اجازه نمی‌دهد به آسانی در پیشگاه آنها حاضر شوند. ولی در بعضی دیگر از مراجع چنین حقی به طور مستقیم یا غیر مستقیم به سازمان‌های غیر دولتی داده شده است که بتوانند به عنوان دوست دادگاه در دادرسی مداخله نمایند. لذا در این قسمت به تفصیل، مبانی حقوقی مشارکت این سازمان‌ها را در پرتو قواعد آیین دادرسی مراجع قضایی بین‌المللی بررسی کرده و تحقق این تکنیک را از لابلای رویه قضایی این مراجع جستجو خواهیم کرد.

الف- دوستان عملاً منفعل دیوان بین‌المللی دادگستری

موضوع خاص مشارکت سازمان‌های غیر دولتی مربوط به وضعیت حقوقی این سازمان‌ها است. این سازمان‌ها نمی‌توانند طرف دعوا محسوب شوند زیرا اقامه دعوا در پیشگاه دیوان تنها برای دولت‌ها در نظر گرفته شده است. در حقوق بین‌الملل تنها دولت‌ها حق حضور در پیشگاه دیوان بین‌المللی دادگستری را دارا می‌باشند. ماده ۳۴ اساسنامه دیوان به طور مستقیم بر این موضوع تاکید دارد. علی‌رغم این تصریح و وضوح، در اساسنامه و آیین‌نامه داخلی دیوان عبارات مبهمی وجود دارد که اجازه‌ی استنباط وجود نهاد دوستان دادگاه را در این مرجع به ذهن متبادر می‌سازد. ما سعی خواهیم کرد ابتدا به بررسی موضوع دوستان دادگاه در دیوان بین‌المللی دادگستری و سپس به عملکرد دیوان در این خصوص بپردازیم.

(۱) از ابهام تا وضوح مفهوم دوستان دادگاه در دیوان بین‌المللی دادگستری
اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری صریحاً اصطلاح دوستان دادگاه را بکار نمی‌برد. در

مقابل عبارات بکار رفته در ماده ۳۴^۱ و ۶۶^۲ اساسنامه این موضوع به ذهن متبادر می‌شود که این مواد بر امکان قبول دوستان دادگاه نظر دارد. با پذیرش دوستان دادگاه در این خصوص، پرسشی که مطرح می‌شود این است که چه کسی می‌تواند این وظیفه را انجام دهد. مقایسه دو ماده فوق نیز تفاوت و ابهامی را مشخص می‌سازد. از یکطرف اساسنامه در پاراگراف ۲ ماده ۳۴ تنها "سازمان بین‌المللی عمومی" را به عنوان دوست دادگاه پیش‌بینی می‌کند و این چیزی نیست جز اینکه تنها اطلاعات ارائه شده توسط سازمان‌های بین‌المللی عمومی که بنا به تقاضای دیوان و یا به ابتکار خود آن سازمان‌ها و نه دولت‌ها تهیه شده است قابل پذیرش می‌باشد. در مقابل در پاراگراف ۲ ماده ۶۶ پیش‌بینی شده است که دفتردار به هر دولتی که حق دادخواهی و اقامه دعوا در پیشگاه دیوان را دارد و به هر "سازمان بین‌المللی" که جهت تهیه اطلاعات، درباره‌ی موضوع مناسب تشخیص داده شده باشد، اعلام می‌کند که دیوان آماده دریافت گزارش‌های کتبی، در موعد تعیین شده توسط رئیس، یا استماع گزارشات شفاهی در حین دادرسی و رسیدگی عمومی بدین منظور را دارد.

از طرف دیگر، اساسنامه تفکیکی بین دوستان دادگاه در صلاحیت ترافعی و مشورتی‌اش قائل می‌شود. در واقع، ماده ۳۴ مربوط به صلاحیت ترافعی است و در آن "سازمان‌های بین‌المللی عمومی" می‌توانند به عنوان دوستان دادگاه تلقی شوند ولی در ماده ۶۲ که مربوط به صلاحیت مشورتی دیوان است نه تنها "سازمان‌های بین‌المللی" بلکه دولت‌ها نیز می‌توانند اطلاعاتی برای دیوان تهیه کنند.

۱. مطابق ماده ۳۴ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری:

۱- فقط دولت‌ها می‌توانند به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کنند.

۲- دیوان می‌تواند طبق شرایط مقرر در آئین‌نامه خود در مورد دعوانی که به دیوان رجوع شده است از سازمان‌های بین‌المللی عمومی اطلاعات بخواهد و نیز اطلاعاتی را که این سازمان‌ها با ابتکار خود به دیوان می‌دهند دریافت خواهد کرد. ۳- {...}.

۲. ماده ۶۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مقرر می‌دارد:

۱- دفتر دار فوراً درخواستی را که به موجب آن تقاضای رای مشورتی به عمل آمده است را به تمام دولت‌هایی که حق اقامه دعوی در دیوان را دارند ابلاغ می‌نماید. ۲- به علاوه، دفتردار باید به موجب ابلاغ مخصوص و مستقیم به هر دولتی که حق اقامه دعوی در دیوان و هر سازمان بین‌المللی که به تشخیص دیوان یا در صورت دایر نبودن آن به تشخیص ریاست آن قادر به دادن اطلاعات لازم باشد، اطلاع دهد که دیوان حاضر است در مورد موعدی که رئیس معین می‌نماید گزارشات کتبی دریافت یا بیانات شفاهی آنها را در جلسه علنی که برای این منظور تشکیل می‌یابد استماع کند. ۳- هرگاه یکی از این دولت‌ها که ابلاغ مخصوص مندرج در پاراگراف دوم این ماده نسبت به او به عمل نیامده باشد با دادن گزارشات کتبی یا بیانات شفاهی اظهار تمایل کند در مورد این تقاضای دیوان قاطع خواهد بود. ۴- به دولت‌ها یا سازمان‌هایی که گزارشات کتبی یا بیانات شفاهی داده‌اند اجازه داده می‌شود که گزارشات و بیانات دولت‌ها و سازمان‌های دیگر را به طریق و در مدتی که در هر مورد به خصوص از طرف دیوان در صورت دایر نبودن آن از طرف رئیس معین می‌شود مورد بحث و اظهارنظر قرار دهند و برای این منظور دفتردار در زمان مقتضی گزارشات کتبی را به دولت‌ها یا سازمان‌هایی که خود آنها نیز گزارشاتی را تقدیم داشته‌اند ارسال می‌کند.

سرانجام، پرسش مهمی که در این باره مطرح می‌شود این است که چگونه ما می‌توانیم عبارات "توسط سازمان بین‌المللی عمومی" در ماده ۳۴ و "هر سازمان بین‌المللی" مذکور در ماده ۶۶ را تفسیر کنیم؟ یا به عبارت دیگر آیا سازمان‌های غیر دولتی می‌توانند به عنوان سازمان‌های بین‌المللی عمومی توصیف شوند؟ در اولین نگاه، این مواد به روشنی بین صلاحیت ترافیعی و مشورتی قائل به تفکیک می‌شوند زیرا در خصوص صلاحیت ترافیعی صفت "عمومی" برای سازمان بین‌المللی بکار رفته ولی در مورد صلاحیت مشورتی هیچ‌گونه تصریحی وجود ندارد. در وضعیت کنونی حقوق بین‌الملل، سازمان‌های غیر دولتی هیچ‌گونه دسترسی به رسیدگی‌های ترافیعی ندارند زیرا واژه "عمومی" برای سازمان‌های بین‌الدولی بکار می‌رود (Affaire du Droit d'Asile (Colombie c/ Pérou), 1950, p.228). محدودیت بکار گرفته شده در پاراگراف ۲ ماده ۳۴ اساسنامه به نفع سازمان‌های بین‌الدولی مانع ارسال اطلاعات سازمان‌های غیر دولتی به دیوان نمی‌شود. به نظر می‌رسد که سازمان‌های غیر دولتی می‌توانند اطلاعات خود را بر مبنای سایر مقررات اساسنامه در دادرسی ترافیعی به دیوان تقدیم کنند. بنا به ماده ۵۰ اساسنامه^۱، این سازمان‌ها می‌توانند جهت دادن نظراتشان به عنوان کارشناس فراخوانده شوند (SHELTON (D.), 1994, p.627). در هر صورت بنا به نظر پرفسور آسانسیو «دیوان می‌تواند با تکیه بر اختیارات عمومی شناخته شده برای هر مرجع قضایی، اطلاعاتی را که با موضوع مرتبط و جهت روشن شدن یک قضیه لازم تشخیص می‌دهد دریافت کند» (ASCENSIO(H.), 2001, p.908). پس به هر تقدیر خصیصه‌ی بین‌الدولی بودن آیین دادرسی ترافیعی مندرج در ماده ۳۴ نمی‌تواند به عنوان یک مانع تلقی شود؛ زیرا این امکان برای دیوان وجود دارد که اطلاعات لازم و ضروری را در موضوع متنازع فیه را دریافت کند.

ماده ۶۹ (۶۳ سابق) که تنها مربوط به دادرسی‌های ترافیعی (GUYOMAR (G.), 1973, p.323) است به شک و تردید مذکور در پاراگراف ۲ ماده ۳۴ اساسنامه پایان می‌دهد. این ماده آیین‌نامه داخلی دیوان به طور مستقیم و صریح بر این امر تاکید می‌کند که «اصطلاح سازمان بین‌المللی عمومی برای سازمان بین‌المللی دولت‌ها» تعیین شده است (Article 69 § 4 du Règlement de la C.I.J. در واقع این ماده ابهام موجود در خصوص معنای واژه "عمومی" را مرتفع کرده است. علیرغم نص صریح آیین‌نامه داخلی دیوان، پرسشی که همچنان مطرح این است که آیا دیوان می‌تواند اطلاعات ضروری را از سازمانی همچون اتحادیه بین‌المللی برای حفاظت از طبیعت

۱. ماده ۵۰ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مقرر می‌دارد:

در هر زمان، دیوان می‌تواند تحقیق یا کارشناسی را به هر شخص، هیات، دفتر، کمیسیون یا ارگانی که خود دیوان انتخاب می‌کند ارجاع نماید.

که مطابق با ماده ۶۰ قانون مدنی سوئیس تاسیس و به عنوان یک انجمن بین‌المللی مرکب از اعضای دولتی و غیر دولتی است (Statuts de l'U.I.C.N., révisés 1996, 1^{ère} partie)، بگیرد؟ و یا اینکه این چنین سازمانی می‌تواند به ابتکار خودش اطلاعات مربوط به قضیه‌ی که در نزد دیوان مطرح است، تقدیم کند؟ در هر حال، عدم تصریح واژه "عمومی" در مورد صلاحیت مشورتی دیوان، آزادی تفسیر موسعی می‌دهد که به لطف ابهام عبارت "هر سازمان بین‌المللی"، سازمان‌های غیر دولتی می‌توانند به سادگی به عنوان دوستان دادگاه اطلاعاتی برای این مرجع تهیه کنند. مطالعه عملکرد دیوان موضوع را روشن خواهد کرد و به ما این امکان را می‌دهد که اعمال آیین استفاده از نهاد دوستان دادگاه در ارتباط با صلاحیت دیوان مورد بررسی قرار دهیم.

۲) موضع سخت‌گیرانه دیوان بین‌المللی دادگستری در مقایسه با سلفش در ارتباط با

دوستان دادگاه

بررسی رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری و سلفش دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی نشان دهنده‌ی برخورد متفاوت این دو مرجع با نهاد دوستان دادگاه است. از نظر کمی، سازمان‌های غیر دولتی برای دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی اسناد مکتوب متعددی تهیه کرده و برای آن مرجع ارسال می‌کردند و همچنین از دیوان درخواست اجازه حضور در دیوان و ارائه گزارش شفاهی کردند. دیوان دائمی به تقاضای این سازمان‌ها در مواردی همچون تقاضای فدراسیون بین‌المللی سندیکایی پاسخ مثبت داده است. این فدراسیون به دیوان، فایده و اهمیت استماع نظر تعدادی از کارشناسان حرفه‌ناوایی را پیشنهاد کرد و دیوان نیز تصمیم گرفت که فدراسیون مذکور بتواند کارشناسان منتخب خود را معرفی کند ولی دیوان در این خصوص زمانی اتخاذ تصمیم می‌کند که نمایندگان سازمان‌های ذینفع نیز نظر این کارشناسان را استماع کرده باشند (C.P.J.I., 1926, série C, n° 12). همچنین دیوان در مورد مسایل مربوط به کار سازمان‌های غیر دولتی زیادی را دعوت و نظرات آنها را استماع کرده است (C.P.J.I., 1922, série B, n° 1, 2, 13 et C.P.J.I., 1922, série A/B, n° 50 etc). ماهیت سه‌گانه سازمان بین‌المللی کار به دیوان یک نوع «فضای آزاد نامحدودی برای پذیرش سازمان‌های بین‌المللی در آیین مشورتی اعطا کرده است» (RANJEVA (R.), 1997, pp. 60-61).

برخلاف دیوان دائمی، بیان رویه قضایی دیوان در رابطه با صلاحیت ترافی مبین غیبت بیش اندازه‌ی سازمان‌های غیر دولتی به عنوان دوستان دادگاه است. در واقع در دسترسی این سازمان‌ها به دیوان مفتوح نیست؛ و این عدم گشایش بی‌دلیل نیست زیرا صلاحیت قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری مرتبط با رضایت دولت‌ها است.

دیوان مشارکت لیگ بین‌المللی حقوق بشر را در قضیه‌ی حقوق پناهندگی (کلمبیا/ پرو) در سال ۱۹۵۰ رد کرد. سازمان مزبور در ۷ مارس ۱۹۵۰ یک نامه به دفتردار دیوان ارسال نمود و در آن تقاضای شناسایی اجرای ماده ۳۴ اساسنامه به منظور ارائه اطلاعات به دیوان را کرد. این سازمان در ضمن به وضعیت مشورتی خود در نزد شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد استناد و بر فعال بودن خود جهت تبلیغ و گسترش حقوق بشر در جهان تاکید کرد. دیوان از دلایل ارائه شده چون داشتن وضعیت مشورت در نزد شورای اقتصادی و اجتماعی و استناد به ماده ۳۴ اساسنامه توسط آن سازمان راضی نشده (*Affaire du droit d'Asile- (Colombie-Pérou), 1950, pp.227-228*) و بدین منظور در ۱۶ مارس ۱۹۵۰ پاسخ مثبتی به تقاضای لیگ مزبور نداد. و این چیزی نیست جز خصیصه رضایتی بودن صلاحیت ترافیعی دیوان و دسترسی خیلی محدود به آن است.

قضیه‌ی پروژه سد مابین مجارستان و اسلواکی یکی از قضایای مهم زیست محیطی است که در پیشگاه دیوان مطرح شد (*Affaire du projet de barrage Gabčíkovo- Nagymaros entre la Hongrie et la Slovaquie, 1997*) و ۱۵ قاضی دیوان از نزدیک و با چشمان خود با خسارات وارده به محیط زیست آشنا شدند (THOUVENIN (J. M.), 1997, pp.333-340). این قضیه فرصت مناسبی بود و می‌توانست ضرورت و اهمیت مشارکت فعالانه سازمان‌های غیر دولتی را به عنوان دوستان دادگاه یا کارشناسان مستقل نشان دهد (SHELTON (D.), 1994, p.625)؛ زیرا آنها از مدت‌ها پیش با این مشکل آشنا بوده و آن را زیر نظر داشتند که در این باره ائتلاف ۹ سازمان‌های غیر دولتی حامی محیط زیست (Greenpeace, Human Rights Advocates, International Rivers Network, Natural Heritage Institute, Reflex, Sierra Club, Slovak Rivers Network, Szopk et WWF suisse) که بازسازی و ترمیم اکوسیستم رود دانوب را درخواست می‌کردند قابل توجه است. و به همین جهت مشکلات و خسارات زیست محیطی احتمالی ناشی از پروژه مزبور به خوبی می‌توانست توسط این سازمان‌ها ارزیابی شود (ODUNTAN (G.), 1999, p.241). علی‌رغم ظرفیت‌های سازمان‌های غیر دولتی در این مورد، دیوان نشان داد که زیاد به مشارکت سازمان‌های غیر دولتی به عنوان دوستان دادگاه در دادرسی ترافیعی در این قضیه توجه ندارد. دیوان بین‌المللی دادگستری در این قضیه به هیچ‌وجه رسماً این مشارکت را نپذیرفت ولی به طور غیر رسمی اطلاعات کتبی آنها را دریافت کرده است (BEYERLIN (U.), 2001, p.364). بنابراین، این سازمان‌ها نقش خاصی نداشتند زیرا طرفین دعوا بر این عقیده بودند که تکلیفی در پذیرش مشارکت این سازمان‌ها ندارند.

برعکس، دیوان در مورد تقاضای سازمان‌های غیر دولتی در صلاحیت مشورتی همانند صلاحیت ترافیعی آن قدر سخت‌گیر نیست. دیوان در قضیه آفریقای جنوب غربی به طور مستقیم تقاضای لیگ بین‌المللی حقوق بشر که مطابق با پاراگراف ۲ ماده ۶۶ اساسنامه

درخواست شده بود رد نکرد. این سازمان در ۷ مارس ۱۹۵۰ خواهان استفاده از وضعیت دوست دادگاه برای ارائه گزارش کتبی و شفاهی شد (CLARK(R.S.),1981,p.117). دفتردار دیوان در تلگرام ۱۶ مارس چنین پاسخ داد: «دیوان آماده پذیرش گزارش کتبی اطلاعات آن لیگ جهت روشن شدن موضوع و در خصوص مسایل حقوقی قبل از ۱۰ آوریل ۱۹۵۰ بود» (C.I.J., Mémoires, Plaidoiries et documents,p.327). دیوان تصریح کرد که گزارش لیگ را خیلی با تاخیر دریافت کرده و به همین جهت با درخواست مشارکت لیگ مزبور در دادرسی شفاهی مخالفت کرده است (Statut international du Sud-Ouest Africain, avis consultatif, 1950,p.130). متأسفانه، فرصت به دست آمده توسط این سازمان برای دیوان به سبب "دلیل احمقانه موعده" از دست رفت (ASCENSIO(H.),2001,p.906). این امر مبین این موضوع است که دیوان بین‌المللی دادگستری با مشارکت لیگ مزبور جهت ارائه اطلاعات ضروری و لازم در مورد مسایل حقوقی قضیه فوق موافقت کرده است. در هر صورت، به نظر می‌رسد که سازمان‌های غیر دولتی در آراء مشورتی شانس بیشتری نسبت به قضایای ترافعی دارند. این شانس به خوبی از خلال اساسنامه، آیین‌نامه داخلی و رویه قضایی دیوان مشخص است اگر چه دیوان به طور واقعی دسترسی سازمان‌های غیر دولتی را به عنوان دوستان دادگاه لحاظ نکرده است.

ب- دوستان نسبتاً فعال مراجع کیفری بین‌المللی

در این بخش به بررسی عملکرد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه در بکارگیری پراتیک دوستان دادگاه و مبنای قانونی این نهاد در نزد دیوان کیفری بین‌المللی خواهیم پرداخت.

۱) دوستان دادگاه در رویه قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی

دادگاه‌های کیفری بین‌المللی *ad hoc* به عنوان ارگان‌های قضایی فرعی که به موجب فصل ۷ منشور توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد برای مجازات مسئولین جرایم ارتكابی در یوگسلاوی سابق و رواندا (Résolutions 827(1993) et 955(1994) du Conseil de sécurité des Nations Unies) تاسیس شده‌اند. دامنه‌ی رو به رشد فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی و روابط مستقیم آنها با قربانیان و اطلاعات دست اول و مفیدشان به آنها اجازه می‌دهد که به عنوان دوستان مجرب در خدمت مراجع کیفری بین‌المللی قرار گیرند. مواد ۷۴ آیین دادرسی و دلایل دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا تحت عنوان دوستان دادگاه، صریحاً دعوت یا اجازه هر کشور، یا هر سازمان یا هر شخصی به منظور دادن گزارش در مورد هر موضوعی که دادگاه مفید تشخیص دهد را پیش‌بینی کرده است. در

واقع، آیین دادرسی با بکارگیری واژه بسیار موسع " هر سازمان " این امکان را به دادگاه‌های واگذار می‌کند که از سازمان‌های بین‌الدولی و غیر دولتی دعوت یا اجازه مشارکت به آنها در رسیدگی‌ها داده شود. مضافاً بر اینکه، هیچ‌گونه تفاوتی بین ماهیت حقوقی سازمان‌های غیر دولتی از حیث ملی یا بین‌المللی بودن و اینکه دارای وضعیت مشورت در نزد سازمان ملل متحد باشد یا نباشد نگذاشته است.

ارگان قضایی به دو شیوه اطلاعات لازم را برای روشن شدن موضوعات از نظر عملی و حقوقی کسب می‌کند: یا آنها را مطابق اختیار صریحی که ماده ۷۴ آیین دادرسی و دلایل به وی داده است و یا بنا به ابتکار خود سازمان‌های غیر دولتی که این اطلاعات را در اختیارش می‌گذارند. در صورت درخواست سازمان‌های غیر دولتی، اجازه مداخله ارگان قضایی لازم است. این اجازه حالت موقتی دارد زیرا تنها برای یک قضیه است و به عبارت دیگر در صورتی که یک شخص یا سازمان مایل به مداخله به عنوان دوست دادگاه در قضیه‌ی دیگر باشد، احتیاج به اجازه دیگر می‌باشد. بدیهی است که مرجع رسیدگی‌کننده حق انتخاب بین رد یا اجازه را دارا می‌باشد. همان‌طور که دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا درخواست سازمان‌های غیر دولتی چون African concern را در سال ۱۹۹۹ (Affaire Musema, n° ICTR-96-) (13-I)، ائتلاف برای حقوق زن در مناصمات مسلحانه در سال ۲۰۰۱ (Affaire Bagambiki,) (Tagerura, Imanishimwe, n° T.P.I.R.-99-46-T) و انجمن بین‌المللی وکلای مدافع را در سال ۲۰۰۱ (Le Procureur c/ Jean-Paul Akayesu, n° ICTR-96-4-A)) را رد کرد. بر عکس، دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در موارد عدیده به سازمان‌های غیر دولتی اجازه داد تا نقطه‌نظرهای خود را ارائه دهند که از آن جمله می‌توان به قضایای Tadic (Le Procureur c/) و Dusko Tadic, n° IT-94-I-T) و Blaskic (Le Procureur c/ Tihomir Blaskic, n° IT-95-14-PT) اشاره کرد. در این دو قضیه، انجمن حقوق‌دانان بدون مرز گزارش خود را تقدیم مرجع رسیدگی‌کننده کردند (PAVIA (M. L.), 2000, p.239).

در صورت پذیرش یک سازمان به عنوان دوست دادگاه، اطلاعاتش می‌تواند به دوسبک تقدیم شود: یا توسط سندی که گزارش دوست دادگاه خوانده می‌شود تقدیم و یا نقطه‌نظرها به صورت شفاهی در حین دادرسی ارائه می‌شوند. قاضی در مورد نحوه‌ی مشارکت سازمان‌های غیر دولتی به عنوان دوستان دادگاه تصمیم خواهد گرفت (ASCENSIO (H.), 2003, (p.197). این موضوع مبین اتفاقی یا شانسی بودن این پراتیک است زیرا درخواست مداخله سازمان‌های غیر دولتی توسط دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مورد به مورد، بررسی می‌شوند. در هر صورت به وسیله نهاد دوستان دادگاه، مرجع رسیدگی‌کننده اطلاعات و شواهد مربوط به

قضیه مطروحه را کسب خواهد کرد. در واقع این اطلاعات ضمن مفید بودن برای حسن اجرای امور، مشکلات مربوط به آیین دادرسی را در عمل مرتفع می‌کند.

۲) مبنای قانونی مداخله دوستان دادگاه در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

دیوان کیفری بین‌المللی در ماده ۱۵ اساسنامه امکان بازگشایی احتمالی تحقیق و بازجویی را بنا به اطلاعات رسیده را پیش‌بینی می‌کند. این ماده اساساً مربوط به امکان شروع به رسیدگی توسط خود دیوان کیفری بین‌المللی است. تحقیق و بازجویی توسط دادستان می‌تواند بنا بر اطلاعات جدی ارسالی از طرف سازمان‌های غیر دولتی آغاز می‌شود. اساسنامه این اطلاعات را به عنوان منبعی معتبر در کنار اطلاعات واصله از ارگان‌های سازمان ملل متحد و سازمان‌های بین‌الدولی قرار می‌دهد.

به نظر می‌رسد اطلاعات ابتدایی و اولیه تهیه شده توسط این سازمان‌ها به منظور تحریک کردن دادستان جهت گشودن تحقیق و بازجویی رسمی و تقاضا از شعبه بدوی است. ولی این اطلاعات اولیه نمی‌توانند هم سطح اطلاعات تهیه شده توسط دوستان دادگاه باشد زیرا اطلاعات آورده شده توسط این سازمان‌ها در جریان دادرسی و رسیدگی به حصر معنا ارائه نشده‌اند. اگر پاسخ شعبه بدوی مثبت باشد، در این صورت دادستان از امکانات زیادی برای کسب اطلاعات برخوردار می‌شود (SOREL (J.M.), 1999, p.42). از این مرحله به بعد، اگر دادستان از سازمان‌های مزبور درخواست اطلاعات کند ما در اینجا دوستان دادگاه را در مقابل خواهیم داشت. دیوان کیفری بین‌المللی هنوز رویه قضایی مانند دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ندارد و به همین دلیل شاید قدری زود باشد اگر بخواهیم در خصوص جایگاه نهاد دوستان دادگاه و کاربرد آن در این دیوان قضاوت کنیم.

ج- دوستان خیلی فعال مراجع قضایی منطقه‌ای در زمینه حقوق بشر

دسترسی سازمان‌های غیر دولتی به مراجع منطقه‌ای حامی حقوق بشر مکانیسم‌های مشابه‌ای را پیش‌بینی می‌کنند. مکانیسم‌های اروپایی و آمریکایی حقوق بشر توسعه زیادی پیدا کرده‌اند و در آنها امکان مداخله سازمان‌های غیر دولتی در نظر گرفته شده است. مشارکت سازمان‌های غیر دولتی به عنوان دوست دادگاه همیشه به یک اندازه نیست. علی‌رغم وجود هزاران سازمان غیر دولتی فعال در زمینه حقوق بشر در جهان، تنها تعدادی از آنها به طور معمول اطلاعات خود را به مراجع منطقه‌ای می‌دهند که احتمالاً این امر موجب نوعی انحصاری کردن اشتغال دوست دادگاه تلقی شود.

مقایسه بین مراجع قضایی منطقه‌ای با مراجع قضایی دیگر چون دیوان بین‌المللی دادگستری یا شبه قضایی همانند مرجع حل و فصل سازمان جهانی تجارت نشانگر توسعه پراتیک دوستان دادگاه در نزد مراجع منطقه‌ای حقوق بشر است. این امر خیلی عجیب نیست زیرا دسترسی به مراجع قضایی بین‌المللی کلاسیک تنها برای دولت‌ها در نظر گرفته شده است در حالی که مرجعی مثل دیوان اروپایی حقوق بشر برای اشخاص حقیقی و سازمان‌های غیر دولتی این چنین حقی قائل می‌شود. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به طور مستقیم واژه "دوستان دادگاه" را بکار نمی‌برد ولی با بررسی ماده ۳۶، مفهوم دوستان دادگاه به ذهن متبادر می‌شود. بنابراین کنوانسیون، دیوان می‌تواند «برای حسن اجرای امور دادرسی [...] از هر کشور متعاقد یا هر شخص ذینفع غیر از خواهان برای ارائه نظرات به صورت مکتوب یا ارائه آن در دادرسی دعوت به عمل بیاورد.» در اینجا باید این نکته را متذکر شد که فرد به عنوان مخاطب اصلی حقوق بشر در فرایند اجرای این حقوق مشارکت می‌کند. سازمان‌های غیر دولتی از این منظر با تمام وسایل در جهت حمایت از حقوق بشر تلاش می‌کنند. در قضیه‌ی Vo c/ France، مرکز حقوق ژنتیک و انجمن تدبیر خانواده با موافقت دیوان نظرات خود را به صورت مکتوب مطابق پاراگراف ۲ ماده ۳۶ کنوانسیون و پاراگراف ۲ ماده ۴۴ آیین‌نامه داخلی تقدیم کردند. پرسش مطروحه در این قضیه از این قرار بود که آیا یک جنین از حقوق در نظر گرفته شده در ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برای اشخاص برخوردار می‌شود؟ مرکز حقوق ژنتیک اعلام کرد که چنین وضعیتی را نمی‌توان برای جنین در نظر گرفت زیرا شناسایی این امر لطمه به حقوق بنیادین زنان وارد می‌کند. به علاوه پذیرش و تایید این موضوع که جنین یک شخص است در تضاد با رویه قضایی ارگان‌های کنوانسیون، رویه دول عضو شورای اروپا، هنجارهای بین‌المللی و رویه قضایی دادگاه‌های است. این مرکز در اعلام نظر خود به قضیه دیگری (Affaire Boso c/ Italie, n° 50490/99) تاکید دارد که در آن کمیسیون و دیوان اعطای حقوق مشابه به جنین همانند اشخاص سبب محدودیت‌های برای حقوق شناخته شده مطابق ماده ۲ برای افرادی که قبلاً متولد شده‌اند، می‌گردد (Arrêt Vo c/ France, 8 juillet 2004, (§§ 60-73).

دیوان اروپایی حقوق بشر یک نمونه جالب است که در آن سازمان‌های غیر دولتی همچون مرکز اروپایی حقوق رم (Centre européen pour les droits des Roms (*European Roma Rights Centre*) در موارد متعدد مشارکت‌شان را از طریق نهاد دوست دادگاه اعمال کرده‌اند (*Beard c/ Royaume-Uni, Chapman c/ Royaume-Uni, Coster c/ Royaume-Uni, Jane Smith c/ Royaume-Uni et Lee c/ Royaume-Uni*). سازمان‌های غیر دولتی معتبر قادرند اطلاعات قابل اعتماد، دقیق و مشخص را در اختیار دیوان بگذارند؛ و به همین جهت نیز دیوان اروپایی حقوق بشر در رای خود در قضیه Soering به نظرات ارائه شده توسط عفو بین‌الملل استناد کرده است (*Affaire*

اقامه شده توسط عفو بین‌الملل در رای قرار گرفته (*Soering c /Royaume-Uni*, 1989, Série A, n° 161, §§ 101-102) در قضیه دیگر، نه تنها دلایل *Arrêt Brannigan et McBride c/ Royaume-* بلکه قضاتی چون Pettiti و Martens در نظرات خود به طور مستقیم بر این دلایل تاکید و حتی قاضی Pettiti به اصول اعلام شده توسط عفو بین‌الملل در مورد بازداشت (*Opinion dissidente du juge Pettiti*) استناد کرده در حالی که قاضی دیگر با "قانع‌کننده" دانستن دلایل عفو بین‌الملل خصوصاً زمانی که آن سازمان متذکر می‌شود روشی که نرم‌ها و پراتیک بین‌المللی برای پاسخگویی به سوءاستفاده‌های ارتكابی در خصوص حقوق بشر در سطح بین‌المللی در لوای استثنائات متحول شده و زمانی که آن سازمان بر اهمیت این رای برای تمام جهان تاکید می‌کند (*Opinion concordante du juge Martens*).

در دیوان آمریکایی حقوق بشر، سازمان‌های غیر دولتی اجازه اقامه دعوا را ندارند. این سازمان‌ها همچنین قادر به درخواست رای مشورتی نیستند. با وجود عدم تصریح کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و اساسنامه دیوان و آیین‌نامه داخلی دیوان به نهاد دوست دادگاه، این سازمان‌ها می‌توانند به عنوان دوستان دادگاه در پیشگاه دیوان حاضر و نظرات مکتوب و شفاهی خود را ارائه دهند (*espiell (H.G.)*, 1989, pp.370-371). اما رویه قضایی این دیوان نقطه‌نظرها و دلایل این سازمان‌ها را از طریق نهاد دوستان دادگاه پذیرفته است. در چارچوب آراء مشورتی، دیوان از این نهاد استفاده و گزارش‌های مکتوب آنها را در رای خود درج کرده است. دیوان در اولین رای مشورتی خود صریحاً این موضوع را متذکر شده است که: ماده ۶۴ به دیوان آمریکایی صلاحیت مشورتی موسعی اعطا کرده است که در هیچ دادگاه بین‌المللی در حال حاضر وجود ندارد (*Advisory opinion OC -1/82*, 1982, § 14). از طریق دوستان دادگاه، دیوان مشارکت سازمان‌های غیر دولتی و افراد را در آیین مشورت تضمین می‌کند (*Advisory opinion OC -16/99*, 1999, §§14 et 22). به طور کلی نظرات ناشی از آیین مشورت آثار مفیدی بر حقوق حمایتی و سیستم منطقه‌ای آمریکایی خواهد داشت (*canÇado trindade A.* 2000, p.562). علیرغم عدم دسترسی مستقیم افراد و سازمان‌های غیر دولتی به دیوان، طی سال‌های اخیر موضوع صلاحیت اجباری دیوان و حق توسل فردی به عنوان وسیله واقعی حمایت از حقوق بشر توسط حقوق‌دانان مطرح شده است. در حال حاضر به موجب ماده ۲۳ آیین دادرسی دیوان، افراد تنها در مرحله جبران و ترمیم یعنی به دنبال آیین دادرسی مداخله می‌کنند. در نتیجه مناسب است مشارکت افراد را در کلیه مراحل دادرسی در دیوان گسترش داده (*canÇado trindade (A.A.)*, 2000, www.ridi.org/adi) و در همین راستا در سال ۱۹۹۶، دیوان به نمایندگان قربانیان اجازه داد که در آیین دادرسی به عنوان مشاوران کمیسیون مشارکت کنند؛ و در سال ۱۹۹۷، قربانیان یا نمایندگانشان توانستند به طور مستقل در مرحله تعیین خسارات

مشارکت نمایندند (rouget(D.),2000,p.164). به علاوه با لازم‌الاجرا شدن آیین‌نامه داخلی جدید دیوان در سال ۲۰۰۱، یک اصلاح اساسی به عمل آمد که به موجب آن به فرد اجازه می‌دهد که به طور مستقیم به دادرسی دسترسی داشته باشد (tigroudja (H.) et k.panoussis (I.),2003,pp.7-8) (et 41)؛ ولی این رفرم هنوز کامل نیست تا اینکه به حق اقامه دعوا برای وی شناخته شود. در اجلاس مجمع عمومی سازمان کشورهای آمریکایی در ژوئن ۲۰۰۱، به کمیسیون حقوق‌دانان ماموریت داده شد تا به بررسی یک طرح جهت اصلاح سیستم موجود و اجازه دسترسی مستقیم افراد به دیوان بپردازد. این چنین حقی سبب تضمین بهتر حقوق بشر می‌شود. این چنین حقی تنها به سازمان کشورهای آمریکایی محدود نمی‌شود زیرا ویژگی رو به تحول آیین‌های منطقه‌ای اهمیت واحدهای غیر دولتی را نشان می‌دهد.

و اما سومین مرجع منطقه‌ای، دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم است که اخیراً ایجاد شده است. این مرجع با لازم‌الاجرا شدن پروتکل منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم در تاریخ ۲۵ ژانویه ۲۰۰۴ ایجاد گردید. علت چنین تاخیری را باید قبل از هر چیز در عدم موافقت دول آفریقایی در ایجاد چنین نهادی دانست. و در ثانی همان‌طور که آقای K.MBAYE اشاره می‌کند این امر ناشی از این است که به طور کلی در آفریقا از رجوع به مراجع قضایی استقبال نمی‌شود و بیشتر ترجیح می‌دهند که به طور سنتی مشکلات خود را از طریق مصالحه حل کنند تا اینکه به یک مرجع قضایی رجوع کنند (mbaye (K.),1992,pp.164-165). پس به سبب جدید بودن این مرجع، هنوز رویه قضایی مانند سایر مراجع ندارد و به همین دلیل شاید قدری زود باشد اگر بخواهیم در خصوص جایگاه نهاد دوستان دادگاه در آن صحبت کنیم.

بنا بر پاراگراف ۳ ماده ۵ پروتکل مربوط به ایجاد دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم^۱ حق رجوع به دیوان آفریقایی برای سازمان‌های غیر دولتی محدود است. در واقع این پاراگراف سیستمی را پیش‌بینی می‌کند که مبتنی بر دادن اعلامیه‌ی اختیاری یکجانبه مذکور در بند ۶ ماده ۳۴ پروتکل^۲ تاکید دارد. این پروتکل به طور قابل توجهی ملهم از مدل سابق کنوانسیون اروپایی ۱۹۵۰ و برخی از اسناد منطقه‌ای موجود در زمینه‌ی حقوق بشر است. در سیستم

۱. پاراگراف ۳ ماده ۵ پروتکل مربوط به ایجاد دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم اشعار می‌دارد:

«دیوان می‌تواند مطابق بند ۶ ماده ۳۴ پروتکل به افراد و سازمان‌های غیر دولتی دارنده وضعیت ناظر در نزد کمیسیون اجازه دهد که درخواست‌های خود را به طور مستقیم نزد دیوان مطرح نمایند».

۲. مطابق بند ۶ ماده ۳۴ پروتکل مربوط به ایجاد دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم «در هر زمان، از زمان تصویب پروتکل حاضر، دولت باید اعلامیه‌ای دال بر پذیرش صلاحیت دیوان برای دریافت درخواست‌های اعلام شده در پاراگراف ۳ ماده ۵ پروتکل مزبور بدهد. در صورتی که دولت این چنین اعلامیه را نداده باشد، دیوان از پذیرش درخواست‌هایی که به موجب پاراگراف ۳ ماده ۵ انجام شده است خودداری می‌کند».

آفریقایی دو نوع صلاحیت اجباری و اختیاری وجود دارد؛ کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی حق رجوع به دیوان آفریقایی را دارند (صلاحیت اجباری) در حالی که افراد و سازمان‌های غیر دولتی دارای چنین حقی می‌باشند ولی اعمال این حق به شیوه مشروط ممکن است زیرا رجوع افراد و سازمان‌های غیر دولتی نه تنها منوط به پذیرش صلاحیت دیوان از طریق اعلامیه‌های پیشگفته بوده بلکه بر این نکته تاکید می‌کند که سازمان‌های مزبور باید دارای وضعیت ناظر در نزد کمیسیون آفریقایی نیز باشند (صلاحیت اختیاری).

در این رابطه کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم سعی کرده است از طریق مواد ۴۶ و ۵۵ منشور آفریقایی راه‌حلی برای این موضوع پیدا کند. به موجب ماده ۴۶ منشور آفریقایی «کمیسیون می‌تواند به هر روش مناسبی متوسل شود. به ویژه کمیسیون می‌تواند {...} گفته‌های هر شخص قابل و لایقی را جهت روشن شدن (موضوع) استماع کند.» علاوه بر این، به موجب ماده ۵۵ منشور «قبل از هر اجلاس، دبیر کمیسیون لیست گزارشات واصله، یعنی گزارشاتی غیر از گزارشات دول عضو را تهیه و به اعضاء کمیسیون می‌دهد و این اعضا می‌توانند توجه کمیسیون را بدان جلب و یا بدان رجوع کنند.» این چنین تفسیر موسعی از این ماده به کمیسیون اجازه می‌دهد که درخواست‌های انفرادی را پذیرفته و مورد بررسی قرار دهد. پس با بکارگیری واژه «گزارشاتی غیر از گزارشات دولت‌ها» سازمان‌های غیر دولتی و افراد می‌توانند به کمیسیون رجوع کنند. در اینجا نیز باید به این نکته اشاره کرد که کمیسیون به دنبال گزارش ارسالی توسط دو سازمان غیر دولتی (Social and Economic Rights Action Center (Nigeria) (Center for Economic and Social Rights (Etats-Unis))، به موجب ماده ۵۵، صریحاً به *actio popularis* استناد کرد. این نوآوری در رویه کمیسیون آفریقایی بی‌نظیر بوده زیرا این مرجع نقض نیجریه را از بعضی از مواد منشور آفریقایی خصوصاً درباره حق بر داشتن محیط زیست رضایتبخش را به رسمیت شناخته است بدون آنکه درخواست‌کننده نیازی به اثبات نفع شخصی و مستقیم در قضیه داشته باشد (SHELTON (D.), 2002, pp. 937-942).

معدالک، دیوان جدید آفریقایی باید خلاءهای موجود کمیسیون را در راستای حمایت و ارتقاء حقوق بشر تکمیل کند؛ همان‌طور که مقدمه و ماده ۲ پروتکل صریحاً بر موضوع روابط بین دیوان و کمیسیون تاکید می‌کند. در هر صورت مرجع جدید آفریقایی سازوکارهای منطقه‌ای را تقویت می‌کند و سبب حمایت موثر از حقوق بشر در سطح آفریقا می‌شود.

نتیجه

این تحقیق در مجموع چند نکته را در ارتباط با نقش سازمان‌های غیر دولتی به عنوان دوست دادگاه در پیشگاه مراجع قضایی بین‌المللی برای ما روشن کرد که به طور خلاصه در زیر به آن اشاره خواهیم کرد. فعالیت و مشارکت سازمان‌های غیر دولتی در خصوص اجرای هنجارهای بین‌المللی مربوط به حقوق بشر در مرحله دادرسی بین‌المللی رشد قابل توجهی کرده است. و به طور خاص این موضوع روشن شد که در بعضی از مواقع بدون داشتن سمت مستقیم و ذینفع بودن، این سازمان‌ها از حق دسترسی غیرمستقیم به مراجع قضایی بین‌المللی برخوردار می‌شوند؛ در حالی که اصولاً این مراجع به طور سنتی در تحت سیطره‌ی دولت‌ها بوده و تنها آنها حق رجوع به آنها را داشتند. در این رابطه، تکنیک دوست دادگاه در پیشگاه مراجع بین‌المللی به کرات مورد توجه قرار گرفته است ولی این توجه در نزد هر یک از آنها متغیر بوده است. لذا کارکرد سازمان‌های غیر دولتی و موفقیت آنها در ایفای نقش دوست دادگاه در هر یک از این مراجع به یک صورت نبوده است. علی‌رغم فقدان استفاده سیستماتیک و متحد الشکل از پراتیک دوستان دادگاه توسط مراجع قضایی بین‌المللی، به نظر می‌رسد که سازمان‌های غیر دولتی تا حدی موفق شده‌اند بر رویه قضایی بین‌المللی تاثیرگذار باشند. ولی یقیناً، مشارکت این سازمان‌ها در فرایند دادرسی به تنهایی برای تغییر وضعیت آنها کافی نیست. این مشارکت می‌تواند به عنوان یک گام کوچک و اولیه به سمت شناسایی تابع حقوق بین‌الملل تلقی گردد ولی به هیچ‌وجه کافی نیست. در هر صورت شاید بتوان به نوعی موضوع استفاده موثر و سیستماتیک از تکنیک دوستان دادگاه را در آینده به عنوان قرینه‌ای تلقی کرد که با تاسی به آن بتوان نظریه «تابع در حال شدن» را تقویت کرد. و این همان چیزی است که پروفیسور آسانسیو با این عبارات بیان می‌کند: پراتیک دوستان دادگاه می‌تواند مرحله‌ی انتقالی به سمت دسترسی تام به مراجع قضایی به عنوان طرف دعوا باشد (ascensio (H.), 2001, p.929).

نکته دیگر اینکه این تحقیق در پی تدوین و ارایه یک بیان مثبت از کارکرد سازمان‌های غیر دولتی نیست ولی این موضوع به طور عرضی مورد بحث قرار گرفته است. دستور کار این تحقیق قبل از هر چیز، بررسی و نشان دادن تکنیک دوستان دادگاه است و در ثانی نقشی که از این طریق توسط بازیگران گوناگون در عرصه دادرسی بین‌المللی جستجو می‌شود. حضور واحدهای غیر دولتی در مرحله دادرسی بین‌المللی می‌تواند به وسیله شناسایی احتمالی حق دسترسی تام و کمال ایشان به عنوان طرف دعوا متحول شود. ولی این امر، قبل از هر چیز منوط به شناسایی این بازیگران به عنوان تابعان جدید حقوق بین‌الملل است، موضوعی که هنوز در جامعه بین‌المللی محقق نشده است. شاید مشارکت دوستان دادگاه در آیین دادرسی

مراجع بین‌المللی بتواند به سهم خود تحولی در نحوه‌ی نگرش جامعه بین‌المللی به بازیگران جدید ایجاد کند.

منابع و مأخذ

OUVRAGES

- 1-ASCENSIO, Hevré (2003) «Remarques à propos du rôle des organisations non-gouvernementales dans l'activité du T.P.I.R.» in BURGORGUE-LARSEN (L.) (sous la dir.), *La répression internationale du génocide rwandais*, Bruxelles: Bruylant,
- 2-DUPUY, Pierre-Marie(1998), *Droit international public*, Paris: Dalloz,
- 3-GHERARI, Habib & SZUREK, Sandra (2003), *l'émergence de la société civile internationale: vers la privatisation du droit international?*, Paris: Pedone,
- 4-MBAYE, Keba (1992) *Les droits de l'homme en Afrique*, Paris : Pedone,
- 5-ODUNTAN, Gbenga (1999.), *The Law and Practice of the International Court of Justice 1945-1996 Critique of the Contentious and Advisory Jurisdictions*, Enugu, Nigeria: Fourth Dimansion Publishers Co Ltd,
- 6-PAVIA, Marie Luce (2000) «Juristes Sans Frontières: “ amicus curiae” du Tribunal pénal international pour l'Ex-Yougoslavie» in *Le Tribunal pénal international de la Haye- le droit à l'épreuve de la «purification ethnique»*, Paris : L'Harmattan.
- 7-ROLAND, Henri & BOYER, Laurent (1998), *Locutions latines du droit français*, Paris: Litec,
- 8-ROUGET, Didier (2000), *Le guide de la protection internationale des droits de l'homme*, Paris: Editions La pensée sauvage,
- 9-SALMON, Jean (2001), *Dictionnaire de droit international public*, Bruxelles: Bruylant.
- 9-TIGROUDJA, Hélène & PANOUSSIS, Ioannis Konstantinos (2003), *La Cour interaméricaine des droits de l'homme-Analyse de la jurisprudence consultative et contentieuse*, Bruxelles: Bruylant,

ARTICLES

- 1- ABDELSALAM, A. MOHAMED (1999) «Individual and N.G.O. Participation in Human Rights Litigation before the African Court of Human and People Rights: Lessons from the European and Inter-American Courts of Human Rights », *Journal of african Law*, Vol. 43, No.2,
- 2-ASCENSIO, Hevré(2001) «L'amicus curiae devant les juridictions internationales », *R.G.D.I.P.*, Tome 105.
- 3-BEYERLIN, Ulrich (2001), «The Role of NGOs in International Environmental Litigation», *Zeitschrift für Ausländisches Öffentliches Recht und Völkerrecht*, 61, Vol. 2-3,
- 4-CANÇADO TRINDADE, Antonio Augusto (2000) « La Cour interaméricaine des droits de l'homme au seuil du XXI^{ème} siècle», *Actualité et Droit International*, Internet: www.ridi.org/adi, février 2000.
- 5-CANÇADO TRINDADE, Antonio Augusto (2000) «Le système inter-américain de protection des droits de l'homme: état actuel et perspectives d'évolution à l'aube du XXI^e siècle», *A.F.D.I.*, 2000,
- 6-CLARK, Roger S. (1981) «The International League for Human Rights end South West Africa 1947-1957: The Human Rights N.G.O. as Catalyst in the International Legal Process», *Human Rights Quarterly*, Vol. 3, n° 4, The Johns Hopkins University Press,
- 7-ESPIELL, Hector Gros (1989) «La Convention américaine et la Convention européenne des droits de l'homme – Analyse comparative», *R.C.A.D.I.*, Tome 218.
- 8-GUILLAUME, Gilbert (2003) «L'unité du droit international public est-elle aujourd'hui en danger?», *Revue internationale de droit comparé*,
- 9-RANJEVA, Raymond (1997) «Les organisations non gouvernementales et la mise en œuvre du droit international», *R.C.A.D.I.*, Tome 270,
- 10-SHELTON, Dinah (2002) «International decisions», *A.J.I.L.*, Vol. 96, n° 4.
- 11-SHELTON, Dinah (1994) «The Participation of Nongovernmental Organizations in International Judicial Proceedings», *A.J.I.L.*, Vol. 88, n° 4.
- 12-sorel, Jean-Marc (1999) «Les tribulations du droit international pénal», *Revue juridique de l'ouest*, Centre de Recherche Juridique de l'Ouest,
- 13-sudre, Frédéric (1990) «Extradition et peine de mort: Arrêt Soering de la Cour européenne des droits de l'homme du 7 juillet 1989», *R.G.D.I.P.*
- 14-thouvenin, Jean-Marc (1997) «La descente sur les lieux dans l'affaire relative au projet Gabcikovo- Nagymaros», *A.F.D.I.*,